

اولین طرح شورایی کردن اداره‌ی حوزه‌های علمیه و خمس و زکات و موقوفات عامه در ایران در ۱۳۲۶

پروفسور سیدحسین امین

□ ۱- کلیات

کردیم، به دیگران انفاق کنند. اصول ۱۰۰ تا ۱۰۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی هم بر اصل اداره‌ی شورایی امور تکیه دارد. با این وصف، جای دروغ است که اصل شورا در زمینه‌ی مرجعیت دینی و رهبری مذهبی به طور عام، و استفاده از منابع مالی و فرهنگی روحانیت شیعه به طور خاص، کم‌تر مورد قبول واقع شده است.

شورایی کردن امور یعنی حسن استفاده از نظام «خردجمعی». امتیاز و برتری روش مدیریت شورایی بر شیوه‌ی استبداد رأی و فردمحوری به اندازه‌ی واضح و لایح است که محتاج تأکید و تکرار نیست. آبراهام لینکلن گفته بود اگر قدرت به نحو انفرادی به دست عیسی مسیح سپرده شود، [به قول ما نعوذ بالله و به قول او بدون نعوذ بالله] فاسد خواهد شد!

۲- شورایی کردن روحانیت شیعه

پس از ارتحال آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی در ۱۳۱۵، چندی سخن از شورایی شدن مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم و همکاری آیات ثلاث (آیات: سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای، سید محمدتقی خوانساری و سید صدرالدین صدر) در میان آمد که عملی نشد. اما بار دیگر، در پی ارتحال آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در ۱۳۲۵ همین امر مطرح شد و به فکر بعضی‌ها رسید لیکن در هیچ کجا عملی نشد. جز آن که مرحوم آیت‌الله استاد سید علینقی امین پس از شهریور ۱۳۲۰ در تجدید و بازسازی حوزه‌ی علمیه‌ی سبزوار، با تشکیل «هیأت علمیه‌ی سبزوار»، برای شورایی کردن مدیریت منابع انسانی و مالی روحانیون طرحی جامع و اساسی ارائه داد که در ۱۳۲۶ به بعد تا مدتی اجرا شد. النهایه با تثبیت مرجعیت عام آیت‌الله بروجردی، و مخالفت ایشان با طرح شورایی شدن مدیریت حوزه‌های علمیه، قضیه مسکوت ماند تا آن‌که در پی فوت ایشان در فروردین ۱۳۴۰ دوباره، بحث شورایی شدن سازمان روحانیت و ایجاد وحدت در

از سوی دیگر، امروز ثابت است که حتی بزرگ‌ترین دانشمندان جهان به طور انفرادی تنها بخشی از توانایی‌های مغزی خود را به کار می‌گیرند. بنابراین مسلم است که اگر اشخاص، عقل خود را روی هم بریزند و از یک‌دیگر با حسن نیت مشورت بپذیرند، نتیجه‌ی کار به نفع اکثریت خواهد شد؛ چنان‌که امروز هیچ یک از کارهای بزرگ جهان چه در صحنه‌ی نظر و چه در ساحت عمل، کار انفرادی نیست و محتاج تعاون و همیاری تعدادی انبوه از اهل فکر و نظر است. این اصل اساسی، در سرتاسر جهان و از جمله در ایران در اغلب زمینه‌های عمرانی، بهداشتی، آموزشی، مطبوعاتی، تبلیغاتی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مقبولیت یافته است.

در قرآن مجید نیز استفاده از مشورت یکی از صفات مؤمنان شمرده شده است: والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون (سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۳۸) = مؤمنان کسانی اند که امر خدای را اجابت کنند، نماز را برپای دارند، کارشان را به مشورت یکدیگر انجام دهند، و از آن‌چه روزی ایشان

شیوه‌ی توزیع بودجه‌ی وجوه واجبه‌ی خمس و زکات، مطرح شده که با جدی‌ترین آن‌ها در مجموعه مقالاتی با عنوان **بحثی درباره‌ی مرجعیت و روحانیت** (تهران، سوی شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱) انتشار یافت.

از جهت تاریخی، از اولین و جامع‌ترین و بهترین نظریه‌ها در باب سازمان روحانیت، مقاله‌ی به قلم شهید استاد مرتضی مطهری است که با عنوان «مشکل اساسی در سازمان روحانیت» نخست پس از فوت آیت‌الله بروجردی در مجموعه مقالات ۱۳۴۱ شرکت سهامی انتشار چاپ شده و پس از انقلاب در ده گفتار ایشان به چاپ رسیده است. (انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۲، صص ۲۸۳-۳۱۷)

استاد مطهری در این مقاله نوشته است: «علت اصلی و اساسی نواقص و مشکلات روحانیت، نظام مالی و طرز ارتزاق روحانیین است. . . علّه اللعل همه‌ی خرابی‌ها سهم امام است. . . نه وضع و تشریح ماده‌ی به نام سهم امام، بلکه طرز اجرا و استفاده از این ماده.» (مطهری، ده گفتار، چاپ نوزدهم، صص ۲۸۵-۲۸۶)

شهید مطهری در ادامه، راه اصلاح سازمان، روحانیت را چنین ارائه می‌دهد: «راه اصلاح یک چیز است: سازمان دادن به بودجه‌ی فعلی روحانیت. . . بودجه‌ی روحانیت. . . راه اصلاحش بیلان در مراکز روحانیت به طوری که احدی از روحانیین مستقیماً از دست مردم ارتزاق نکند. هر کس به تناسب خدمتی که انجام می‌دهد از آن صندوق که در اختیار مراجع و روحانیین طراز اول حوزه‌های علمیه خواهد بود، معاش خود را دریافت کند.» (همان‌جا، صص ۳۰۷-۳۰۸)

عین این پیشنهاد را آیت‌الله استاد سید علینقی امین بیست و پنج سال قبل از آن در فاصله‌ی فوت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و برآمدن آیت‌الله بروجردی، طی مرامنامه و اساسنامه‌ی هیأت علمیه‌ی سبزوار برای اولین بار، در سطح کشور ارائه داده بود که اداره‌ی حوزه‌ی علمیه و گردآوری و توزیع وجوه بخش خصوصی و عمومی قرار نگیرد و بعدها موردی پیش نیاید که یکی از روحانیون در مناظره‌ی تلویزیونی خود با رقیب انتخاباتی‌اش بگوید که من سیصد میلیون تومان پول را از یک «مفسد اقتصادی» برابر عرف روحانیون شیعه از بابت وجوهات از او گرفته‌ام!

باری، این تشکیل صندوق وجوهات و موقوفات مشترک در ۱۳۲۶، حاصل فکر و ذهن زنده‌یاد آیت‌الله استاد امین بود که متن مرامنامه را به امضاء اکثریت روحانیون معتبر سبزوار در آن تاریخ (قریب پنجاه نفر) رساندند و البته اولین امضاءکننده‌ی این اساسنامه در همان سطر اول شخص ایشان (سید علینقی امین) بودند و نسخه‌ی اصلی آن اساسنامه (به خط عموزاده و شوهرخواهر ایشان مرحوم سید یحیی نظامزاده وکیل پایه‌ی یکم دادگستری) نزد خود ایشان محفوظ بود که اکنون در کتابخانه‌ی ایشان موجود است و ما عین متن دستنویس مزبور را در این جا گراور می‌کنیم.

۳- امضاءکنندگان

اولین امضاءکننده‌ی مرامنامه، مرحوم آیت‌الله سید علینقی امین متخلص به ابن امین، فرزند مرحوم امین‌الشریعه و برادرزاده‌ی مرحوم نظام‌العلمای سبزواری بود. دومین امضاءکننده‌ی مرامنامه‌ی مزبور، پس از آیت‌الله امین، مرحوم حاجی میرزا علیرضا مدرس (از مدرسان پیشکسوت، نخبه و زبده، در گذشته‌ی ۶ بهمن ۱۳۳۴)، سومین حاج شیخ ولی‌الله اسراری (نوه‌ی حاج ملاهادی سبزواری)، چهارمین مرحوم حاج میرزا محمدتقی فقاہتی (برادرزاده‌ی آیت‌الله فقیه سبزواری مقیم مشهد)، پنجمین مرحوم حاج سید عبدالله برهان (عموی آیت‌الله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری مقیم نجف) و ششمین امضاءکننده مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حسن سیادت‌ی بودند که در تاریخ امضا یعنی در سال ۱۳۲۶ اعلم من فی البلد و مرجع محبوب مردم بود و موقوفات سرشار عامه‌ی سبزوار باید به تولیت او به مصارف خیریه می‌رسید.

دیگر امضاءکنندگان این متن مدرسان و روحانیون نامدار حوزه‌ی علمیه‌ی سبزوار بودند، از جمله:

۱- مرحوم استاد حاج شیخ محمدصادق محمدی که بعدها مدتی مدرس معقول و منقول در دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران شد و من نیز گاهی از دانشکده‌ی حقوق به کلاس درس او می‌رفتم.

۲- مرحوم حاج شیخ محمدتقی عندلیبی (شوهرخواهر آیت‌الله حاج سید عبدالاعلی سبزواری) که از شاگردان مرحوم حاج آقا حسین قمی بود و بعدها از علمای مقیم مشهد شد.

۳- مرحوم حاج سید علی سیادتى از مدرسین معقول که غالباً اسفار ملاصدرا را تدریس می کرد.

۴- مرحوم حاج شیخ حسن علیمحمدی که از شاگردان آیت الله سید محمود شاهرودی و حاج میرزا حسن بجنوردی در نجف بود.

۵- مرحوم حاج سید محمدباقر فقیه سبزواری (پسر مرحوم آیت الله حاج میرزا حسین فقیه سبزواری مقیم مشهد)

مرحوم آیت الله امین، هم چنین برای ایجاد حسن ارتباط و تفاهم بین روحانیون، صبح روزهای پنجشنبه نشستی علمی و ادبی و فرهنگی در منزل خود برقرار کردند که در مسائل مختلف اظهار نظر و تبادل رأی می کردند.

۴- متن سند

مرامنامه‌ی هیئت علمی‌ی سبزواری مورخ ۱۳۲۶ که مقدمه‌ی آن از حیث تئوریک و مبانی فلسفه‌ی اخلاق و علم الاجتماع و حقوق و کلام جدید نیز حائز اهمیت بسیار است، از جهت سازمان دهی روحانیت شیعه، سندی دیگر از سوابق ممتد تلاش‌های ایرانیان در زمینه‌ی شورایی کردن مدیریت هاست. ما متن نسخه‌ی خطی اساسنامه و مرامنامه‌ی هیئت علمی‌ی سبزواری را که سابقاً مضامین آن در یادنامه‌ی مرحوم آیت الله استاد سید علینقی امین (به کوشش مرحوم احمد نیکوهمت، انتشارات استان، ۱۳۸۰، صص ۶۰-۶۱) درج شده بود، به عنوان یک سند

سند هیئت علمی سبزواری مورخ ۱۳۲۶ که مقدمه‌ی آن از حیث تئوریک و مبانی فلسفه‌ی اخلاق و علم الاجتماع و حقوق و کلام جدید نیز حائز اهمیت بسیار است، از جهت سازمان دهی روحانیت شیعه، سندی دیگر از سوابق ممتد تلاش‌های ایرانیان در زمینه‌ی شورایی کردن مدیریت هاست. ما متن نسخه‌ی خطی اساسنامه و مرامنامه‌ی هیئت علمی‌ی سبزواری را که سابقاً مضامین آن در یادنامه‌ی مرحوم آیت الله استاد سید علینقی امین (به کوشش مرحوم احمد نیکوهمت، انتشارات استان، ۱۳۸۰، صص ۶۰-۶۱) درج شده بود، به عنوان یک سند

متن سند مرامنامه‌ی هیئت علمی‌ی سبزواری مورخ ۱۳۲۶ - اولین تلاش برای شورایی کردن اداره‌ی وجوهات و موقوفات حوزه‌های علمی‌ی ایران

اصول اول - هیئت علمی سبزواری مورخ ۱۳۲۶ که مقدمه‌ی آن از حیث تئوریک و مبانی فلسفه‌ی اخلاق و علم الاجتماع و حقوق و کلام جدید نیز حائز اهمیت بسیار است، از جهت سازمان دهی روحانیت شیعه، سندی دیگر از سوابق ممتد تلاش‌های ایرانیان در زمینه‌ی شورایی کردن مدیریت هاست. ما متن نسخه‌ی خطی اساسنامه و مرامنامه‌ی هیئت علمی‌ی سبزواری را که سابقاً مضامین آن در یادنامه‌ی مرحوم آیت الله استاد سید علینقی امین (به کوشش مرحوم احمد نیکوهمت، انتشارات استان، ۱۳۸۰، صص ۶۰-۶۱) درج شده بود، به عنوان یک سند



امضاءکنندگان مرامنامه، ۱۳۲۶، نشسته از راست: سید علینقی امین (اولین امضاءکننده) - حاجی شیخ علیرضا مدرس (دومین امضاءکننده) - سید محمدنقی فقاہتی (چهارمین امضاءکننده) - سید ابوالفضل فقاہتی، (از ائمہی جماعات مقیم مشهد و برادرزادہی آیت اللہ فقیہ سبزواری) ایستاده از راست: حاج شیخ صادق صدیقی مزینانی - حاج شیخ محمد میان آبادی - حاج سید جعفر مشکاتی - حاج شیخ موسی مؤید - سید داشخانہ‌ای

که در مصالح شخصی راه خطا نیمایند، قطعاً قدرت تشخیص مصالح اجتماع را نداشته، بماند که تشخیصات آن‌ها در مصالح فردی هم متضاد و خود این تضاد تشخیص موجب تضادم و بروز هرج و مرج بین آن‌ها خواهد بود. چرا که به حکم عقل کسی باید برای جامعه و جوامع تعیین تکلیف نموده و آن‌ها را ملتزم به یک رویه نماید که بر تمام آن‌ها برتری و به طوری بر مصالح افراد و خانواده‌ها و جمعیت‌ها و دهکده‌ها و قصبات و شهرستان‌ها و مملکت‌ها و دستجات و طبقات مختلفه‌ی آن‌ها احاطه داشته باشد که بتواند مصالح و مضار آن‌ها را بدون افراط و تفریط امتیاز داده و قوانینی به وجود آورد که با رعایت و عمل به آن قوانین، حقوق هر فرد و جمعیت کوچک و بزرگ و هر دسته و طبقه طوری حفظ شود که کم‌ترین مصادمه با حقوق دیگران نداشته باشد. و وضع چنین قانونی که حقیقت اخلاق و عبارت آخری آن است، به دلایل فوق که از ادله‌ی بدیهیه است برای هیچ کس میسر نیست مگر ذات باری تعالی قدس اسمہ و به شهادت دوست و دشمن قانونی که بتواند دردهای جزیی و کلی فردی و جمعی بشر را شفا بخشد و آن‌ها را در تمام

معتبر تاریخی که برای آیندگان موجب اعتبار و مایه‌ی افتخار است، در این جا عیناً منتشر می‌کنیم:

«بسم الله الرحمن الرحيم

نظر به این که قوام اجتماع هر جامعه و ملتی مرهون اخلاقیات آن است، به قسمی که اگر اخلاقیات آن جامعه رو به انحطاط نهد، جامعه همان اندازه منحط، و هر آینه به صلاح گراید، جامعه هم به همان اندازه راه صلاح و ارتقاء خواهد پیمود و اخلاق اجتماع جز با قوانین اجتماعی اصلاح‌پذیر نیست، چرا که هرگاه هر فردی به تشخیص خود در صدد اصلاح خود برآید، تشخیصات مختلف و اختلاف اخلاق سبب هرج و مرج اخلاقی و نتیجتاً هرج و مرج اجتماعی خواهد شد. پس افراد هر جامعه وقتی می‌توانند با یکدیگر زندگی و موجد تمدن و حفظ و اعتلای آن گردند که به یک اخلاق متخلق و ملتزم باشند و چنان چه موجد این اخلاقیات خود جامعه باشد، گذشته از این که این معنی ثابت شده است که بشر خود نمی‌تواند به مصلحت خود پی برد و فرضاً فرد چندی مشخص باشد، تشخیص آن‌ها ناقص که اکثراً در مصالح خود راه خطا پیموده و به فرض محال



چهل سال بعد، ۱۳۶۶، از راست به چپ: سید محمدباقر فقیه سبزواری (ششمین امضاکننده) - شیخ صادق صدیقی (بیست و چهارمین امضاکننده) سید محمد قریشی - سید محمدتقی فقاہتی (چهارمین امضاکننده) - شیخ ولی الله اسراری (سومین امضاکننده) - شیخ حسین شهرستانی - سید علیرضا افقہی

برنیاید، از شهریه و حقوق و مزایایی که برای محصلین معین است، محروم گردد.

ماده‌ی دوم - تعیین مدرسین برای هر یک از طبقات محصلین و مکلف نمودن مدرسین به تدریس و مواظبت کامله از تحصیل محصلین علوم دینیہ.

ماده‌ی سوم - مواظبت کامله در حسن آداب فردی و اجتماعی و معاشرتی طلاب و مدرسین و در صورت بروز خلاف ادب از طلبه یا مدرس، تنبیه او، و در صورت تکرار موضوع و یا تکرار بی ادبی، اخراج از مدرسه.

ماده‌ی چهارم - توجه کامل به درآمد موقوفات مدارس سه‌گانه‌ی مزبور و رسیدگی به حساب متولیان و تامین حقوق طلاب و مدرسین هر مدرسه از درآمد همان مدرسه و در صورت عدم کفاف، جبران آن از محل موقوفات عامه که مصرف آن طلاب سبزواری یا مطلق بریات و یا مجهول‌المصرف باشد. و در صورتی که دولت دست از موقوفات عامه بردارد و نگذارد متولی شرعی آن‌ها که اعلم بلد است، جمع‌آوری و به مصارف مقررہ و مقتضیه برساند و یا درآمد مزبور آن‌ها کفایت

اتصالات حقوقی و غیرحقوقی مصون و مانند روح واحدی قرار دهد، قانون شریف اسلامی یعنی قرآن کریم است و برای عمل کردن به تعالیم عالیہی قرآن دانستن و پی بردن به حقایق آن لازم و حصول این مقصود جز به وسیله‌ی علماء اعلام - کثرالله تعالی امثالهم و ایدہم بفضله و برکاته و تاییداته - و محدثین عظام که مبلغین احکام و فرمایشات خیرالانام و اولاد کرام آن حضرت اعنی ائمہ اثنی عشر (علیہم السلام)، هستند محال است، لهذا «هیئت علمیه‌ی سبزواری» مرکب از علماء اعلام و محدثین عظام امضاکنندہی ذیل این مرامنامہ جلسہ‌یی در تاریخ چهاردهم ذیحجه الحرام یکہزار و سیصد و شصت و شش [هجری قمری = ششم آبان ۱۳۲۶] تشکیل و با اصول و مواد ذیل موافقت و ملتزم به اجرای آن شدند.

اصل اول - تشکیل حوزه‌ی علمیه و سرپرستی از محصلین علوم دینیہ و طلاب سه مدرسه‌ی قدیمہی سبزواری این اصل مشتمل بر چهار ماده است.

ماده‌ی اول - وادار نمودن طلاب به تحصیل و امتحان آن‌ها سه ماه به سه ماه و در صورتی که طلبه از عہدہی امتحان



نشسته از راست: حاجی شیخ علیرضا مدرس (دومین امضاکننده) - سید محمدتقی فقاہتی (چهارمین امضاکننده) - سید علینقی امین (اولین امضاکننده) ایستاده: سید جعفر مشکاتی (بیست و ششمین امضاکننده) - سید ابوالفضل فقاہتی - شیخ محمد میان آبادی (بیست و پنجمین امضاکننده) شیخ موسی مؤید (سبزوار، ۱۳۲۶)

نکنند، تامین نقیصه از تفاضل وجوه بریه از محل اخماس و زکوات واجبه و غیره.

اصل دوم - تمرکز کلیه حقوق و وجوهات بریه از اخماس و زکوات واجبه و غیرها در محل معین و تحت نظر اشخاص معین و مسئول و این اصل مشتمل بر سه ماده است. ماده‌ی اول - مخارج آقایان علمای اعلام با رعایت شئون شخصی و واردین بر آنها مقدم و قبل از هر مصرف دیگری از وجوه مزبوره برداشت خواهد شد.

ماده‌ی دوم - حقوق اشخاصی که برای جمع‌آوری و نگاهداری وجوه مزبور تعیین می‌شوند.

ماده‌ی سوم - وجوهی که از محل‌های مزبور در صورت اقتضا و لزوم و تصویب آقایان، به علما و واردین پرداخته می‌شود و یا مصارفی که ضرورت آن را آقایان تصدیق نمایند.

اصل سوم - امر به معروف و نهی از منکر و وادار نمودن مردم به رعایت تکالیف شرعی از طریق پند و موعظه در منابر و مجالس و مجامع و در صورت امکان و اقتضاء از راه نشریات

و بالاخره به انحاء مقتضیه.

این مرامنامه به امضای آقایان می‌رسد و مقرر داشتند که نظامنامه‌ی جامعی که مبین اصول و مواد فوق باشد، تنظیم و آن هم بعد از تصویب آقایان عظام به امضای ایشان ممضی و سپس به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

سید علینقی امین - حاجی [شیخ علیرضا] مدرس - حاج شیخ ولی‌الله اسراری (نوه‌ی حاج ملاهادی حکیم سبزواری متخلص به اسرار) - محمدتقی بن مهدی الحسینی (= فقاہتی) - در عمل کردن به مواد و اصول مزبوره با اتفاق آقایان علماء و روحانیین و اهالی منبر دامت تأییداتهم حاضریم.

الاحقر عبداللہ الموسوی المدعو به برهان = حاج سید عبداللہ برهان - بسم‌الله الرحمن الرحیم حسبنا الله و نعم الوکیل و به نستعین. الاحقر حسن الحسینی السیادتی = آیت‌الله حاج میرزا حسن سیادتی - محمدباقر فقیه سبزواری (پسر مرحوم آیت‌الله فقیه سبزواری مقیم مشهد) - حاج شیخ هادی اسلام‌دوست (شوهرخواهر آیت‌الله سید عبدالاعلی



از راست:
 ۱- آیت‌الله سید علی سبزواری
 (فرزند مرحوم آیت‌الله العظمی سید
 عبدالاعلی سبزواری، مرجع تقلید،
 فقیه و مفسر) از مدرّسان حوزه‌ی
 مقیم نجف
 ۲- سید حسن امین (نویسنده
 مقاله)
 ۳- حجت الاسلام والمسلمین سید
 حسین سبزواری، (پسر دیگر
 آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری)
 از مدرّسان حوزه‌ی مشهد
 (عکس از علی‌اکبر طّیبه مدیر نشریه‌ی
 سربداران سبزواری- با تشکر از مصطفی فتاحی)

اداره‌ی سنتی‌ترین نهاد اجتماعی ایران که روحانیت شیعه است، چه افکار نو و عادلانه‌ی مبتنی بر استفاده از مدیریت شورایی و وحدت نظر در شیوه‌ی تجمیع سازمان‌های روحانیت داشتند. سزاوار است که روحانیون امروز و نیز نسل‌های بعد، دنبال کار بزرگان گذشته را بگیرند و خدمات آنان را در جهت تعمیق اصل استفاده از خرد جمعی در همه‌ی سطوح علمی و عملی و اجتماعی دنبال کنند. اکنون کلام مولوی را حسن ختام این مقال قرار می‌دهیم:

عقل را با عقل دیگر یار کن
 امر شوری بینهم را کار کن
 مشورت، ادراک و هشیاری دهد
 عقل‌ها را عقل‌ها یاری دهد
 این خردها چون مصابیح انور است
 بیست مصباح از یکی روشن‌تر است
 والذین استجابوا لربههم و اقاموا الصلوه و امرهم شوری
 بینهم و مما رزقناهم ینفقون (سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۳۸)
 = مؤمنان کسانی‌اند که امر خدای را اجابت کنند، نماز را برپای
 دارند، کارشان را به مشورت یکدیگر انجام دهند، و از آن‌چه
 روزی ایشان کردیم، به دیگران انفاق کنند. ■

سبزواری مقیم نجف) - حاج شیخ علی‌اکبر نوباغی - سید
 ابوالقاسم نقیبی - حسن افصح المتکلمین - صحیح است
 الاحقر محمدتقی السدیری (حاج شیخ محمدتقی عندلیبی) -
 محمدحسین ناصر - سید علی بهشتی - اقل السادات (امضاء
 لایقرء) - عباس (نام‌خانوادگی لایقرء) - محمدحسین عراقی
 - سید اسدالله محمدیان - عبدالوهاب عارفی - اسماعیل
 شهیدی - حاج شیخ محمدصادق محمدی (مدرس) - حاج
 شیخ حسن علیمحمدی - محمود نقیبی - محمدعلی شارعی
 - محمدعلی فخر - حاج شیخ صادق صدیقی مزینانی - حاج
 شیخ محمد میان‌آبادی - میرزا جعفر مشکانی - حاج شیخ
 موسی مؤید - میرزا ابراهیم رفیعی - عبدالغفور خالصی - حاج
 شیخ عباسعلی رحیمی - امضاء لایقرء - امضاء لایقرء - مصطفی
 الحسینی السیادتی (= حاج سید مصطفی سیادتی) - نعمت‌الله
 سدیری (عندلیب) - سید علی‌اکبر سیادتی - حسین طالبی -
 امضاء لایقرء».

۴- بهره‌ی سخن
 مقصود از نشر این سند ارزشمند، آن است که نشان دهد
 روحانیون روشنفکر ایران در شصت و سه سال پیش حتی برای